



The University of Tehran Press

Introduction of Electoral Systems Centered on Specialized Parliamentary Commissions (Focusing on the Necessity of Reforming the Electoral System of the Islamic Consultative Assembly)

Fardin Moradkhani^{1✉} | Davood Kazemi²

1. Corresponding Author; Associate Professor, Department of Law, Faculty of humanities, Bu- Ali Sina University, Hamadan, Iran. Email: f.moradkhani@basu.ac.ir
2. Master of Department of Law, Faculty of humanities, Bu- Ali Sina University, Hamadan, Iran. Email: Davoodkazemi1359@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	The weak performance of Parliament in legislation and oversight presents electoral reform as a key solution. This research, using a comparative approach, examines whether the current electoral system provides the necessary tools for effective legislation and oversight. What electoral system, considering the components of representation, efficiency, and population proportionality, creates conditions for improving legislation and oversight? To address this, the study first explores the factors influencing the enhancement of legislation and oversight, evaluates the current electoral system in Iran, and finally introduces specialized electoral systems and various formulas. This research employs a descriptive-analytical method and utilizes statistical techniques to describe and analyze existing information and resources, aiming to provide an analysis of the necessity for electoral reform. Accordingly, the current electoral system in Iran lacks the efficiency needed to elect representatives with sufficient expertise and experience for legislative and oversight duties due to its focus on geographical electoral districts. Considering the principle of representation and to resolve the issue of the dispersion of electoral districts in the current system, it is suggested to use an electoral formula based on specialized commissions and current districts. This method enhances the efficiency of the electoral system while preserving the principle of representation.
Pages: 373-399	
Received: 2022/10/29	
Received in Revised form: 2023/09/17	
Accepted: 2023/12/23	
Published online: 2025/03/21	
Keywords: <i>electoral system, Islamic Consultative Assembly, specialized commissions, expertise of representatives.</i>	Moradkhani, Fardin; Kazemi, Davood (2025). Introduction of Electoral Systems Centered on Specialized Parliamentary Commissions (Focusing on the Necessity of Reforming the Electoral System of the Islamic Consultative Assembly). <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (1), 373-399. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2024.350539.3206
How To Cite	
DOI	
Publisher	The University of Tehran Press.





معرفی نظام‌های انتخاباتی با محوریت کمیسیون‌های تخصصی برای پارلمان (با تمرکز بر ضرورت اصلاح نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی)

فردین مرادخانی^۱ | داود کاظمی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه بو علی سینا، همدان، ایران. f.moradkhani@basu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: davoodkazemi1359@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۳۷۳-۳۹۹ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱ کلیدواژه‌ها: پارلمان، تخصص‌نماینده‌گان، کمیسیون‌های تخصصی، مجلس شورای اسلامی، نظام انتخاباتی.	عملکرد ضعیف پارلمان در قانونگذاری و نظارت، اصلاح نظام انتخاباتی را به‌عنوان راهکاری کلیدی مطرح می‌کند. این پژوهش با رویکردی تطبیقی، به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا نظام انتخاباتی فعلی ابزار لازم برای اجرای صحیح قانونگذاری و نظارت را فراهم می‌کند؟ چه نظام انتخاباتی با در نظر گرفتن مؤلفه‌های نمایندگی، کارایی و تناسب جمعیت، شرایط را برای بهبود قانونگذاری و نظارت مهیا می‌سازد؟ در این باره، ابتدا به بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای قانونگذاری و نظارت پرداخته، نظام انتخاباتی فعلی ایران ارزیابی شده و در انتها نظام‌های انتخاباتی تخصص‌محور و فرمول‌های مختلف آن معرفی می‌شوند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و به‌کارگیری روش‌های آماری، اطلاعات و منابع موجود را توصیف و تحلیل می‌کند تا به ارائه تحلیلی از ضرورت اصلاح نظام انتخاباتی برسد. بر این اساس نظام انتخاباتی فعلی ایران به‌دلیل تمرکز بر حوزه‌های انتخاباتی جغرافیایی، کارایی لازم را در انتخاب نمایندگانی با تخصص و تجربه کافی برای انجام وظایف قانونگذاری و نظارت ندارد. با توجه به اصل نمایندگی و برای حل مشکل پراکندگی حوزه‌های انتخاباتی در نظام فعلی، پیشنهاد می‌شود از روش فرمول انتخابات بر پایه کمیسیون‌های تخصصی و حوزه‌های کنونی استفاده شود. این روش ضمن حفظ اصل نمایندگی، کارایی نظام انتخاباتی را ارتقا می‌بخشد.
استناد	مرادخانی، فردین؛ کاظمی، داود (۱۴۰۴). معرفی نظام‌های انتخاباتی با محوریت کمیسیون‌های تخصصی برای پارلمان (با تمرکز بر ضرورت اصلاح نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی). <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۵ (۱)، ۳۷۳-۳۹۹. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2024.350539.3206
DOI	10.22059/jpls.2024.350539.3206
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

موضوع انتخابات و رابطه آن با پارلمان از مسائل مهم در حوزه‌های مختلفی از جمله حقوق، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی است. بسیاری از محققان در سراسر جهان به دنبال ارائه طرح‌ها و الگوهایی هستند که بتوان بر مبنای آن نظام انتخاباتی بهتری شکل داد که مردم بتوانند نقش مهم‌تری داشته باشند و پارلمان نماینده همه اقشار و طبقات مردم باشد. پرسشی که این پژوهش به آن می‌پردازد این است که با توجه به نقش انکارناپذیر پارلمان در قانونگذاری و صلاحیت ذاتی این نهاد مبنی بر نظارت تمام‌عیار نسبت به سایر نهادهای حاکمیتی چه عواملی بر بهبود قانونگذاری و نظارت بر آن مؤثر است و آیا نظام انتخاباتی این شرایط را فراهم می‌کند؟ گام اول برای فراهم کردن شرایط لازم برای انجام صحیح وظایف پارلمان، تغییر نظام‌های انتخاباتی است. تاکنون پیشنهادهایی برای اصلاح نظام انتخاباتی در ایران ارائه شده است که می‌توان آن را در دو دیدگاه مطرح کرد؛ در دیدگاه اول برخی با حفظ سیستم کنونی از طریق اصلاحات کوچک مانند تغییر حد نصاب‌ها دوباره آن را سازمان می‌دهند (قانون اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵). برخی نیز به دنبال استانی شدن انتخابات هستند تا با تمرکز بیشتر سیاسی، باعث پرداختن بهتر نمایندگان به وظایف ملی، تقویت نقش شوراهای محلی، گسترش فرهنگ و اندیشه حزبی و کاهش درگیری‌های قومی و قبیله‌ای شوند. دیدگاه دوم، طرفدار جایگزینی کامل سیستم کنونی با سیستمی بر اساس اصل تناسب است (تقی‌زاده و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۷۳).

برای اجرای صحیح دو وظیفه قانونگذاری و نظارت، بهبود دو ویژگی مهم الف) نماینده بودن و ب) کارآمدی پارلمان از سایر عوامل مؤثرتر است، زیرا یک نماینده باید شناخت کافی از حوزه انتخاباتی خود داشته باشد و نیز با شناخت از توانایی‌های علمی و تجربی حوزه انتخاباتی خود در پارلمان حضور پیدا کند. در خصوص موضوع نماینده بودن پارلمان، اینکه آیا نمایندگان سرزمینی به‌طور مؤثر نماینده شهروندان هستند، بسیار مهم است. انتظار می‌رود از طریق نظام انتخاباتی و توزیع نمایندگان در میان گزینه‌های گوناگونی که ارائه می‌شود «نماینده‌گی» بیشتر پدید بیاید. نمایندگان باید منعکس‌کننده دیدگاه‌های جامعه باشند و با ویژگی‌های دیگر جامعه مانند منافع شغلی، اجتماعی و سیاسی مطابقت داشته باشند. انتخاب نمایندگان نقش حیاتی در عملکرد پارلمان دارد، زیرا توانایی هریک از اعضا در عملکرد یک پارلمان و سیستم انتخابات در راه‌یابی این افراد بسیار مؤثر است.

هنگام اجرا یا ارزیابی یک نظام انتخاباتی، توزیع حوزه‌های انتخابیه مهم است، زیرا انتقاد از یک سیستم اغلب به نحوه توزیع حوزه‌های انتخابیه اشاره دارد. پس از تشکیل حوزه‌های انتخابیه مهم‌ترین عامل در تعیین نتیجه انتخابات، تبدیل آرا به کرسی است، زیرا استفاده از یک روش خاص برای تعیین مناصب، ممکن است سبب منفعت یک حزب و ضرر سایرین شود. بدیهی است که نظام تبدیل آرا به

کرسی نه تنها تأثیر تعیین کننده‌ای بر نتایج انتخابات دارد، بلکه بر رفتار انتخاباتی رأی‌دهنده نیز تأثیر می‌گذارد. ویژگی نمایندگی و توزیع حوزه‌های انتخاباتی و حتی کارآمدی تحت تأثیر مستقیم اندازه پارلمان یا تعداد کرسی‌هاست که باید در تغییر نظام انتخابات مورد توجه قرار گیرد. مطالعات در خصوص تغییر نظام انتخابات مجلس در ایران تاکنون بیشتر به صورت تطبیقی بوده‌اند. رحمانی‌زاده دهکردی و سعید در مقاله‌ای موضوع استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی (رحمانی و سعید، ۱۳۸۴: ۱۵۵) را مطرح کردند که این تغییر نیز یک حرکت از نظام اکثریتی به نظام تناسبی است. در سال ۱۳۸۷ خسروی (۱۳۸۷) در رساله دکتری خود با عنوان *الگوی مطلوب نظام انتخابات مجلس شورای اسلامی در پرتو اصول و مبانی انتخابات دموکراتیک* یک نظام مناسب بر اساس نظام‌های کنونی در جهان را مورد بحث قرار داد. تقی‌زاده و ضرغامی (۱۳۸۸: ۷۳) در مقاله «استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی» به فواید و معایب این نظام پرداختند. گرجی ازندریانی (۱۳۸۹: ۳۵۲) نیز در مقاله «قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در بوتۀ نقد» به نقد نظام کنونی انتخابات مجلس پرداخت. در این تحقیقات فقط به بررسی نظام انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته شده و تلاشی برای معرفی نظام جدیدی نشده است. پژوهش کنونی از این حیث با همه این تحقیقات متفاوت است، چراکه برای اولین بار به دنبال مطرح کردن تئوری نظام انتخابات بر اساس بهبود عوامل تأثیرگذار بر روی قانونگذاری و نظارت مانند نمایندگی و کارآمدی با توجه به محدودیت‌های جمعیتی و نیازهای حوزه انتخابیه، از طریق علم ریاضی و آمار است که نتیجه آن پارلمانی نماینده‌تر و کارآمدتر باشد که در آن مؤلفه‌های تناسب جمعیتی، کارایی و نمایندگی رعایت شده و قابلیت استفاده برای دیگر پارلمان‌های جهان را نیز داشته باشد. بر این اساس ابتدا به بررسی عوامل مؤثر بر ویژگی نمایندگی و کارآمدی پارلمان پرداخته و سپس از طریق برقراری رابطه معنادار بین جمعیت و تعداد نمایندگان هر حوزه با پیشنهاد روش و فرمول‌های انتخابات کمیسیون‌محور، تلاش می‌کند تا زمینه ورود متخصصان لازم از هر حوزه انتخاباتی به نمایندگی هر فرد در هر نقطه از یک کشور را در تمام کمیسیون‌های تخصصی پارلمان فراهم سازد.

این فرمول‌ها به دنبال آن هستند که با بررسی نظام انتخابات پارلمان و تأثیر آن بر حضور افراد مختلف با سابقه‌های شغلی متفاوت نشان دهد حلقه مقفوده‌ای که سبب ایجاد قوانین ضعیف یا ناقص و اصلاح نادرست آنان می‌شود عدم حضور متخصصان لازم در کمیسیون‌های تخصصی پارلمان است. همچنین نظام‌هایی را پیشنهاد کند که در آن پارلمان شباهت بیشتری با جامعه داشته و کارایی بالاتری نیز بر اساس وظایف اصلی پارلمان داشته باشد. علاوه بر این کوشش می‌شود در معرفی نظام‌های انتخاباتی پارلمان هم به روش استانی-کمیسیونی-تخصصی و هم به روش حوزه‌های انتخاباتی کنونی-کمیسیونی-تخصصی توجه شود. روش انجام این پژوهش، توصیفی _ تحلیلی و از طریق روش‌های آماری است.

۲. ضرورت وجود متخصصان و نمایندگان با منافع مختلف در پارلمان

پویایی و توانمندی منابع انسانی در پیشبرد اهداف سازمانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (مهرابی‌ان و همکاران ۱۳۹۰: ۵۸). در پژوهش‌های انجام گرفته، برای توانمندسازی سازمان به کیفیت نیروی کار و عوامل فردی اشاره شده است (لطیفیان و دعایی، ۱۳۹۲: ۱۸). استفاده از افراد متخصص از دغدغه‌های سازمان‌های ملی و فراملی است که ارتباط بسیار تنگاتنگی با شایستگی‌ها دارد. از این رو با توجه به نقش پارلمان در انجام فرایند قانونگذاری به عنوان یکی از مراحل خط‌مشی‌گذاری (سینائی و زمانی، ۱۳۹۰: ۶۵)، استفاده از نمایندگان توانمند در کمیسیون‌های تخصصی پارلمان دارای اهمیت است، چراکه در صورت ناتوانی نمایندگان در فرایند خط‌مشی‌گذاری ملی یا ارزیابی و نظارت درست به تبع آن اجرای ناصحیح، اتفاق خواهد افتاد که سبب ناکارآمدی خط‌مشی‌ها خواهد شد (قلی پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۲). به طور مثال در ایران در برخی ادوار، مصوبات مجلس، فاقد دوراندیشی، انسجام و جامع‌نگری لازم و در برخی موارد متناقض با مصالح کلی جامعه بوده است. گاهی مصوبات بر شناخت ضرورت‌ها و درک موقعیت‌های زمانی صحیح مبتنی نبوده و بارها قوانین مصوب دستخوش تغییرات می‌شدند (دانایی فر و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). در برخی مواقع نیز، نظارت مجلس بر دولت و کارگزاران ملی، از لحاظ عملکرد مالی و سیاسی ضعیف بوده است. از این رو یکی از مهم‌ترین وظایف را که نظارت مستمر و مؤثر بر ارکان نظام است، به طور صحیح انجام نداده است (دانایی فر و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). به نظر می‌رسد عدم حضور نمایندگان با تخصص‌های لازم با تعداد مناسب در کمیسیون‌های تخصصی پارلمان دلیل این نقص‌هاست.

نامزدهای انتخابات در بسیاری موارد متعهد به منافع اقتصادی خود و گاهی هم متعهد به منافع اقتصادی دیگران هستند. اگر پراکندگی ترجیحات و منافع زیاد باشد، به یک مجلس بزرگ نیاز است، زیرا زمانی که تعداد شرکت‌کنندگان در فرایند تصمیم‌گیری زیاد باشد، تأثیر هر عامل فردی بر نتیجه نهایی ناچیز می‌شود (Besley, 1998: 139-141) و در نتیجه امکان سوءاستفاده یک جمعیت خاص با منافع مشترک در پارلمان کاهش می‌یابد. در طول سه دهه گذشته، محققان برای استفاده از گروه‌ها در حل مشکلات مدیریتی بحث کرده‌اند. تحقیقات اولیه نشان می‌دهد که کار گروهی عملکرد بهتری از کار اعضا به تنهایی دارد (Lorge et al., 1958: 338) و گفته شده عملکرد یک گروه، تابعی مثبت از توانایی‌های اعضای آن است (Hoffman, 1979: 379). افزایش تعداد اعضا منابع گروه را برای حل مشکل بیشتر می‌کند. به این ترتیب، عملکرد تیم، باید تابعی مثبت از اندازه آن باشد. هنگامی که اندازه افزایش می‌یابد، یک گروه با توانایی بالا منابع جدید و باکیفیت‌تری نسبت به گروه‌های کوچک دارد (Yetton, 1983: 145-146).

حضور افراد متخصص در زمینه‌های گوناگون می‌تواند کمک شایانی به کارایی پارلمان کند، زیرا

قانونگذاری نیاز به تخصص‌های متفاوتی دارد که سیستم انتخابات تأثیر مستقیمی بر حضور متعادل متخصصان در پارلمان دارد. در توصیه‌های کمیسیون اروپا برای قانونگذاری، استفاده از متخصصان هریک از گروه‌های ذی‌نفع برای محکم کردن پایه‌های سیاستگذاری پیشنهاد شده است، زیرا به کارگیری متخصصان، موجب پذیرش همگانی قوانین می‌شود (عبداله‌زاده، ۱۳۹۹: ۷۶۱). به همین دلیل در قسمت بعد برای درک بهتر این موضوع به دلیل آشنایی بیشتر مخاطبان این پژوهش با شرایط مجلس شورای اسلامی ایران نسبت به دیگر کشورها این نظام انتخاباتی انتخاب شد تا با بررسی وضعیت مؤلفه‌های مختلف مجلس شورای اسلامی مشخص نماییم نظام کنونی انتخابات مجلس شورای اسلامی چه میزان بر روی مؤلفه مهم کارایی پارلمان اثر گذاشته است و آیا همه متخصصان کشور در حوزه‌های مختلف به یک میزان شانس حضور در مجلس را داشته‌اند؟ آیا مجلس در کمیسیون‌های مختلف تخصصی از متخصصان لازم برخوردار بوده است؟ آیا نظام کنونی انتخابات توانسته است از هر حوزه علمی در ساختار پارلمان برای انجام دو وظیفه مهم قانونگذاری و نظارت استفاده کند؟ یا اینکه این نظام شرایط را برای افزایش انحصارگرایی و ایجاد موقعیت‌های بیشتر تعارض منافع فراهم کرده است؟ باید تأکید کرد که در این پژوهش فقط به دنبال مطابقت نظام‌های معرفی‌شده انتخابات با انتخابات کنونی مجلس شورای اسلامی هستیم تا از این طریق دلایل استفاده از این نظام‌ها را مشخص کنیم.

۱.۲. بررسی حضور متخصصان مختلف در ادوار مختلف مجلس^۱

بررسی رشته تحصیلی نمایندگان ادوار مختلف مجلس نشان می‌دهد که به‌جز کمیسیون فرهنگی و بهداشت و درمان، دیگر کمیسیون‌ها از نبود تخصص‌های مورد نیاز در بیشتر ادوار رنج برده‌اند و این موضوع می‌تواند یکی از ریشه‌های ضعف قانونگذاری در مجلس شورای اسلامی باشد. ناتوانی در انجام وظیفه به‌دلیل عدم تخصص و توانایی و نداشتن ایده‌های جدید در کمیسیون تخصصی ریشه اصلی کم‌کاری، تمایل به غیبت، فقدان انگیزه برای انجام وظیفه، عدم احساس علقه به کمیسیون و اولویت بخشیدن به منافع فردی و گروهی در برابر منافع عمومی و روی آوردن به مبحث نظارت و دوری از مطالعه در زمینه قانونگذاری می‌شود که از علل مؤثر در ناکارآمدی مجلس شورای اسلامی است. دلیل اولیه ورود افراد غیرمتخصص به کمیسیون‌های تخصصی، روش انتخابات است که فیلتر و معیاری برای حضور متخصصان مختلف در مجلس ندارد. این مسئله سبب مشکلات عدیده‌ای

۱. تمامی اطلاعات استفاده شده توسط نویسندگان این مقاله در خصوص آمار و ارقام تعداد، نوع رشته تحصیلی، انتخاب در مرحله اول یا دوم و دفعات حضور در مجلس از کتاب معرفی نمایندگان ده دوره مجلس شورای اسلامی تهیه و تنظیم اداره فرهنگی و تبلیغات مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶) استخراج شده است.

همچون سردرگمی رأی‌دهندگان، رقابت غیرعلمی، تأثیر عوامل رانتی، صنفی، سلبریتی‌گری و تعاملات اجتماعی کاذب می‌شود. همه این عوامل دست به دست هم داده تا پس از اتمام انتخابات و با شروع به کار مجلس شورای اسلامی، مجلس مملو از افرادی با رشته‌ها و تخصص‌های خاصی شود که توزیع نمایندگان را در کمیسیون‌های تخصصی دچار مشکل می‌کند که در زیر به آن اشاره می‌کنیم. بر اساس اطلاعات آماری و گراف‌های به‌دست‌آمده و تجزیه و تحلیل اعداد و ارقام می‌توان به نتایج زیر رسید:



تصویر ۱. تعداد نمایندگان گرایش‌های تحصیلی پر حضور در کل ادوار مجلس شورای اسلامی

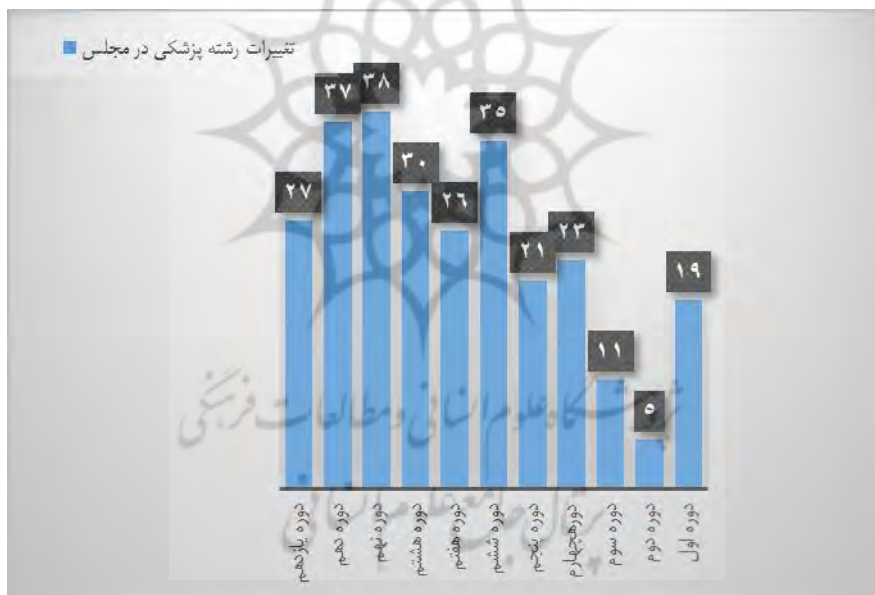
همان‌طور که در تصویر ۱ به‌صورت واضح مشخص است ترکیب‌های به‌دست‌آمده در ادوار مختلف مجلس به‌خصوص در دوره‌های ابتدایی، کاملاً نشان‌دهنده این موضوع است که نظام کنونی نتوانسته است ابزار لازم یعنی حضور متخصصان لازم برای قانونگذاری و نظارت صحیح را فراهم سازد، چراکه بسیاری از کمیسیون‌های تخصصی در ادوار مختلف خالی از متخصصان لازم بوده و در مقابل، تقاضای زیادی در بعضی تخصص‌ها به چشم می‌خورد که یکی از نتایج به‌وجود آمده این موضوع ایجاد انحصارطلبی قانونی است که در ادامه به یک نمونه از این موارد می‌پردازیم.

۲.۲. نظام انتخابات، زمینه اصلی ایجاد انحصار و تعارض منافع

به نظر اندیشمندان یکی از نکات مهمی که برای بررسی یک نظام انتخابات بسیار مهم است، نتیجه آن سیستم یعنی قوانینی است که توسط آن پارلمان وضع خواهد شد. وجود وضعیت‌های تعارض منافع در قوانین از شاخص‌های مهم قانونگذاری است (محقق داماد، ۱۴۰۰: ۱۴۳). وجود پارلمان نامتعادل از نظر منافع مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سبب وضع قوانینی خواهد شد که اکثریت صنفی موجود در پارلمان به نفع خود وضع می‌کنند.

برای اینکه یک صنف بتواند قوانین را به نفع خود وضع کند باید اعضای در پارلمان کشور داشته باشد که بتواند در اخذ آرا و جلب تفکر دیگر اعضا تأثیرگذار باشند. همان‌طور که در تصویر ۱ به‌صورت واضح مشخص است پس از روحانیون و رشته مدیریت، رشته پزشکی بیشترین تعداد نماینده را در ادوار

مختلف دارا بوده، که شاید اهمیت بیشتری نسبت به گرایش مدیریت داشته باشد؛ چراکه در گرایش‌های مدیریت افتراق بیشتری نسبت به پزشکی وجود دارد و این نزدیکی منافع در بین تحصیل کرده‌های پزشکی مجلس نتایج عجیبی را در طول روند قانونگذاری در حوزه درمان به وجود آورده است، زیرا توزیع نمایندگان با مدرک پزشکی در طول ادوار مجلس شورای اسلامی دارای توزیع یکنواخت‌تری نسبت به دیگر رشته‌ها بوده (تصویر ۲) و دارای انحراف معیار ۹,۹ است. در صورتی که انحراف از معیار برای نمایندگان روحانیت در مجلس ۵۰,۵ است که نشان‌دهنده تغییرات بالای تعداد روحانیون در ادوار مجلس است، پزشکان به جز دو دوره دوم و سوم در دیگر ادوار دارای تعداد مطلوبی نماینده در مجلس بوده و در هیچ دوره‌ای اجازه حضور به دیگر رشته‌ها در کمیسیون درمان نداده و از این طریق توانسته‌اند منافع صنفی خود را از طریق کمیسیون درمان و به نام مجلس پیش ببرند که علت اصلی این موضوع نظام انتخاباتی است که شرایط را برای ایجاد یک پارلمان نامتعادل فراهم می‌کند.



تصویر ۲. تغییرات تعداد نمایندگان با مدرک پزشکی در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی

۳. تعداد بسیار کم نمایندگان

از ویژگی‌های مهم یک سیستم انتخاباتی، تعداد نمایندگان انتخاب‌شده در پارلمان است که بر مؤلفه‌های زیادی مانند روش تقسیم‌بندی حوزه‌های انتخاباتی، نحوه توزیع نمایندگان در کمیسیون‌های تخصصی، میزان ابزار لازم برای اجرای دو وظیفه مهم قانونگذاری و نظارت و در نهایت کیفیت مطلوب عملکرد

پارلمان اثرگذار است. تعداد کم اعضای پارلمان سبب می‌شود پارلمان به‌خوبی از جامعه نمایندگی نکند. اراده مردم از طریق نهاد نمایندگی تجلی پیدا می‌کند. این اراده همگانی از تنوع اعضای پارلمان برآمده و اختلافات، مورد بحث و مذاکره قرار می‌گیرند. برای یک نظام حکومتی رسیدن به نقطه مناسب در خصوص تعداد اعضای پارلمان کاری بسیار دشوار است.

در این خصوص برخی محققان تحقیقاتی انجام داده‌اند. دیوید فارل در تحقیقی نشان داده (Farrell, 159: 2011) که در نظام‌های انتخاباتی، اندازه‌های کوچک‌تر پارلمان با سطوح بالاتری از عدم تناسب همراه است. همچنین لوندل دریافت که اندازه پارلمان حتی زمانی که سایر عناصر نظام انتخاباتی مانند فرمول انتخاباتی، آستانه مؤثر و شکل ظاهری کنترل می‌شوند به شکل معناداری مؤثر خواهد بود (Lundell, 2012: 9). رائه نیز معتقد است که تمرکز جغرافیایی بالای رأی برای احزاب اقلیت در کانادا، بقای آنها را تسهیل می‌کند. موزر یافته مشابهی را در روسیه، اوکراین و لهستان گزارش می‌کند (Barkan, 928: 2006). اندازه پارلمان همچنین بر تعداد مؤثر احزاب تأثیر می‌گذارد، زیرا هرچه اندازه پارلمان بزرگ‌تر باشد، شانس اقلیت‌ها برای حضور در آن بیش‌تر می‌شود (Frederick, 2010: 116). به گفته محققان داشتن تعداد بیشتر نماینده در پارلمان به این معنی است که تأثیر نسبی تک‌تک آنها در روند قانونگذاری کم‌رنگ می‌شود (Frederick, 2010: 119). به علاوه، در این شرایط هر یک از نمایندگان برای به دست آوردن «مگاكرسى‌ها» مانند ریاست بر کمیته‌ها، با رقابت شدیدتری روبه‌رو هستند. هر چه تعداد كرسى‌ها بیش‌تر باشد، نمایندگان گروه‌های بی‌نماینده یا کم‌نماینده (از لحاظ عددی) از نظر جنسیت، سن، شغل و موارد مشابه شانس بیشتری برای حضور در پارلمان پیدا می‌کنند (Pitkin, 1967: 60). با افزایش تعداد كرسى‌ها می‌توان «یک نهاد قانونگذاری ایجاد کرد که ترکیب جمعیتی جامعه را با دقت بیشتری منعکس کند» (Frederick, 2005: 5) با بررسی داده‌های فراملی مشخص شده است که «هر چه تعداد اعضای پارلمان در هر ناحیه کم‌تر باشد، زنان کم‌تری به نمایندگی انتخاب می‌شوند» (Rule, 1987: 484). تاگیرا در تحقیقی «قانون ساییدگی اقلیت» را فرموله^۱ کرده است که بیان می‌کند هرچه موقعیت‌های موجود کمتر باشد، سهم اقلیت نیز کم‌تر خواهد بود (Taagepera, 2009: 241).

بر اساس موارد بالا می‌توان عوامل تأثیرگذار بر اندازه پارلمان را به‌ترتیب اولویت این‌گونه مرتب کرد: نمایندگی، تنوع احزاب سیاسی، منافع جوامع به حاشیه رانده‌شده و نمایندگی دولت محلی (Besley, 139-156: 1998). سؤال مهم این است که آیا می‌توان رابطه مثبتی میان تعداد كرسى‌ها و امر نمایندگی یافت. اگر چنین است، آیا این رابطه، خطی است یا غیرخطی؟ (Lijphart, 1971: 689)

۱. به شکل قاعده در آوردن: امروزه روش‌های انتخاباتی به‌دلیل پیچیدگی، در مرحله اجرا نیاز به استفاده از نرم‌افزارهای آماری دارند، به همین دلیل باید ابتدا به یک قاعده ریاضی تبدیل شوند تا توسط نرم‌افزارها قابلیت اجرا پیدا کنند.

۳.۱. تعیین اندازه پارلمان

همان‌طور که مشخص شد تعداد ایده‌آل نمایندگان پارلمان باید تعادلی بین کارایی، از نظر مشارکت هریک از نمایندگان و توانایی آنها در اجرای دستور کار انتخاباتی خود و نیز انجام درست وظایف نمایندگی برقرار کند. هر دو معیار در تعیین اندازه پارلمان تأثیرگذارند. پارادایم «کارایی» از اواخر دهه ۱۹۸۰ مورد توجه دانشمندان علوم سیاسی و «مهندسان انتخابات» قرار گرفت (Farrell, 2011: 172). محققان تأثیر نظام‌های مختلف انتخاباتی را بر کارایی و ثبات معماری سیاسی و اندازه مجمع مربوطه نشان داده و گفته‌اند نمایندگی گروه‌های اقلیت، سهمیه‌های جنسیتی، تعداد رأی‌دهی و وسعت حوزه‌ها، تأثیر زیادی بر کارایی پارلمان و میزان قدرت احزاب سیاسی دارد (Weingast & Shepsle, 1981: 643). انتخاب تعداد کرسی‌های پارلمان قانونگذاری، میان دو مؤلفه کارایی و نمایندگی تعادل برقرار می‌کند. هرچه پارلمان بزرگ‌تر باشد، تناسب آن با کرسی‌ها و نیز تعداد احزاب و نمایندگان گروه‌هایی بیشتر می‌شود که در غیر این صورت حضوری کم‌رنگ می‌داشتند. به همین دلیل هدف نهایی، ایجاد توازن میان نمایندگی به تعداد کافی و افزایش کارایی فرایند قانونگذاری است (Frederick, 2010: 6) به بیان دیگر، هدف، ایجاد تعادل میان بازنمایی صدای بسیاری از مردم و حفظ توانایی حکومت کردن است (Brooks, 2011: 1).

افزایش تعداد نمایندگان اغلب، هزینه دارد. مدیسون این موضوع را مورد سؤال قرار داد که آیا ارزش دارد با افزایش اندازه پارلمان اجازه شنیده شدن چندین صدای مختلف داده شود (Frederick, 2010: 1) همچنین افزایش اندازه مجموعه، تأثیر منفی بر روی راندمان کاری می‌گذارد. بنابراین هنگام تصمیم‌گیری در مورد اندازه پارلمان، مهم است که مؤلفه‌های کارایی و نمایندگی را با ظرافت تمام در نظر بگیریم. اگر پارلمان فقط چند کرسی داشته باشد انتظار می‌رود که کار درونی آن روان‌تر شود، زیرا افراد کم‌تری به بحث‌های سیاسی می‌پردازند و پیش از دستیابی به هر توافق، افراد کمتری باید با هم مصالحه کنند. این مسئله سبب کاهش صداهای گوناگون مردم در پارلمان خواهد شد. کاهش تعداد کرسی‌ها، آستانه طبیعی انتخابات را افزایش می‌دهد که این امر به جناح‌های کوچک آسیب می‌رساند. بنابراین، هرچه پارلمان کوچک‌تر باشد باید امور خود را بهتر انجام دهد و هرچه بزرگ‌تر باشد احتمالاً نمایندگان بیش‌تری از جناح‌های مختلف در خود خواهد داشت. در اینجا تقابل میان نمایندگی به تعداد کافی و کارایی بهینه مشهود است. برای حل این مشکل و پیدا کردن یک نقطه ثقل بین اندازه پارلمان و کارایی، اندازه پارلمان باید به گونه‌ای انتخاب شود تا مورد قبول رأی‌دهنده‌ها در حوزه‌های مختلف انتخاباتی باشد در این خصوص نیاز به یک مبنای ثابت است که رأی‌دهندگان را نسبت به تعداد سهمیه کرسی حوزه انتخاباتی خود قانع کند. در حال حاضر بهترین مبنا نسبت میزان جمعیت هر حوزه به کل کشور و نسبت آن با تعداد کرسی‌هاست. این روش برای همه کشورها قابل اجرا نیست، چراکه از لحاظ جمعیتی کشورها تفاوت‌های چشمگیری با هم

داشته و اگر یک نسبت ثابت به‌طور مثال برای هریک میلیون نفر یک نماینده در پارلمان انتخاب شود، برخی کشورها دارای پارلمانی سنگین و کند خواهند شد و برخی کشورها نیز دارای پارلمان‌هایی خواهند شد که تعداد آنها از عدد انگشتان دست بیشتر نخواهد شد. برای حل این مشکل نیاز به قاعده‌ای داریم که تأثیرات جمعیتی را با آهنگی مناسب به کرسی‌های پارلمان تبدیل کند. در این خصوص تاگپرا قانون ریشه مکعب^۱ جمعیت برای اندازه پارلمان‌ها را پیشنهاد کرد و می‌گوید اندازه مجموعه باید به گونه‌ای انتخاب شود که کارایی در حالت بهینه قرار گیرد (Taagepera, 1972: 390). بر این اساس اندازه یک پارلمان قانونگذار نزدیک به ریشه مکعب جمعیت است و یا به عبارتی:

$$S = P^{1/3}$$

P به توان یک‌سوم است. در اینجا S اندازه پارلمان قانونگذاری و P اندازه جمعیت است (Taagepera and Shugart, 1989: 173).

قانون مکعب بر این فرض استوار است که نمایندگی و کارایی در جبران خسارت به یک اندازه مهم‌اند. تعداد زیاد صندلی‌ها ممکن است منجر به هزینه بیش از حد شود. اگر سیاستمداران دخیل در تصمیم‌گیری از چندین حوزه انتخاباتی آمده باشند، پروژه‌ها گران‌تر خواهند شد، زیرا همه آنها می‌کوشند بخشی از اعتبارات را به خانه بیاورند. در نتیجه می‌توان گفت افزایش اندازه پارلمان بیشتر از یک تعداد مشخص سبب افزایش ناکارآمدی می‌شود (Weingast & Shepsle, 1981: 645). ادعای ما این است که متعادل کردن نمایندگی و کارایی پارلمان، مستلزم درک دقیق این دو مفهوم و دست‌کم یک ارزیابی تجربی از پیامدهای بالقوه تغییر تعداد کرسی‌های آن است. پیش از اینکه بخواهیم تعداد نمایندگان مجلس ایران را با سایر کشورها مقایسه کنیم، ذکر دو نکته لازم است؛ اول اینکه برخی از کشورها تنها یک مجلس دارند، اما برخی دیگر مجلس دومی نیز دارند. همچنین به دلیل محدودیت زمان و تخصص‌های لازم در یک پارلمان هر چه تعداد وظایف آن افزایش پیدا کند، کارایی کاهش خواهد یافت. وظایف قانونگذاری و نظارت که دو وظیفه بسیار مشکل هستند و نیاز به نیروی انسانی متخصص و توانمند دارند، در ایران بر عهده ۲۹۰ نفر قرار داده شده است. به این دو دلیل در ادامه، هر دو مجلس کشورها را در نظر می‌گیریم و تعداد نمایندگان را با تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی مقایسه می‌کنیم. بر اساس اطلاعات مرکز پارلمان جهانی^۲ تا سال ۲۰۲۲ ایران بر اساس نسبت تعداد کرسی‌های

۱. توان سوم یا مکعب یک عدد یعنی آن عدد را ۳ بار در خودش ضرب کنیم. حال ریشه سوم یا ریشه مکعب یک عدد بر عکس عملیات فوق است یعنی مشخص کنیم که یک عدد از ضرب ۳ باره کدام عدد در خودش به‌دست آمده است. در اینجا یعنی چه عددی اگر سه بار در خودش ضرب شود برابر با جمعیت آن کشور می‌شود.

۲. همه اعداد و اطلاعات درباره اندازه و نوع پارلمان‌های کشورهای مختلف از سایت اتحادیه بین‌المجالس استخراج شده است. (<https://www.ipu.org>)

پارلمان به جمعیت از بین ۲۳۹ پارلمان ثبت‌شده و با توجه به نوع حکومت، رتبه ۲۳۶ را کسب کرده است که می‌توان نتیجه گرفت که مجلس ایران در مقایسه با پارلمان‌های موجود در جهان، مجلسی بسیار کوچک است، به‌طوری‌که از بین ۲۳۹ پارلمان مورد مقایسه، تنها کشورهای فیلیپین، اندونزی و بنگلادش رتبه‌ای پایین‌تر از کشور جمهوری اسلامی ایران را دارند.

۴. موانع تغییر نظام انتخابات

تغییر نظام انتخابات در کشورهای مختلف با موانع متفاوتی مواجه است، در کشورهایی که نظام انتخابات از طریق قوانین عادی قابل تغییر است این کار با دشواری کمتری انجام خواهد شد، اما در کشورهایی که اصلاح نظام انتخابات وابسته به قانون اساسی آن کشور است، متخصصان حقوق عمومی جهت تغییرات لازم با مشکل مواجه خواهند شد در این خصوص طحان نظیف عضو حقوقدانان شورای نگهبان و سخنگوی این شورا معتقد است قانون اساسی در خصوص نوع نظام انتخاباتی حکمی ندارد و اینکه چه نوع نظام انتخاباتی در کشور حاکم باشد را در اختیار مجلس و قانون عادی قرار داده است (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، کد خبر: ۸۴۸۱۸۴۸) اما در ایران تاکنون نتایج قابل ملاحظه‌ای در این زمینه صورت نپذیرفته است و فقط برخی راه‌حل استانی شدن انتخابات را پیشنهاد کردند (کمالی و شهابی راد، ۱۳۹۷: ۶۱). تقی‌زاده و ضرغامی اجرای نظام انتخاباتی یک‌مرحله‌ای، حوزه‌های انتخابیه تک کرسی برای انتخاب اشخاص و حوزه‌های انتخابیه استانی برای انتخاب فهرست‌ها را پیشنهاد کرده‌اند (تقی‌زاده و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۷۳). به اعتقاد برخی امکان تغییر حوزه‌های انتخابیه و انطباق آن با مرز استان‌ها وجود دارد و مشکلات نظام فعلی با استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مرتفع می‌شود، اما چالش‌ها و مشکلات جدیدی به‌وجود خواهد آمد (میرزاده کوهشاهی و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۰: ۱۶۸). برخی نیز معتقدند در شرایط فعلی طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه قادر به تأمین اهداف مدنظر طراحان نیست و مشکلات جدیدی را موجب می‌شود (رحمانی زاده دهکردی، ۱۳۸۱: ۱۶۴). در یکی از تحقیقات با عنوان «حوزه‌بندی انتخابات قو» مقننه در نظام حقوقی ایران با تأکید بر طرح تغییر نظام انتخاباتی مجلس در سال ۱۳۹۰ آمده است این طرح می‌تواند با تکیه بر ظرفیت‌ها و نقاط مثبت خود و توجه به نقاط ضعف احتمالی اهداف خود را محقق کند. طرح استانی شدن انتخابات، علیرغم اهداف و دعوای طراحان و موافقان، سبب تشدید تمرکزگرایی در سطح ملی و استان خواهد شد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴). در شورای بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ یکی از پیشنهادها برای اصلاح اصل ۶۴ قانون اساسی، استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی بود. این پیشنهاد در شور اول کمیسیون مربوطه رد شد، اما در نهایت، تصمیم‌گیری درباره استانی شدن حوزه‌های انتخابیه به قانونگذاری مجلس واگذار شد. نخستین بار در سال ۱۳۷۸ در دوره پنجم قانونگذاری مجلس برخی نمایندگان با ارائه طرحی نخستین گام را در راستای استانی شدن انتخابات

برداشتند که با اقبال چندانی روبه‌رو نشد (عباسی و حسینی الموسوی، ۱۴۰۱: ۵۷۴). دومین بار تعدادی از نمایندگان مجلس ششم آن را در سال ۱۳۸۱ عیناً تقدیم مجلس نمودند که شورای نگهبان با آن مخالفت کرد. ایرادات شورای نگهبان اغلب بر چهار محور، تشدید اختلاف‌های محلی، قومی و قبیله‌ای، کاهش مشارکت مردم در انتخابات، افزایش هزینه عمومی و ایجاد تبعیض ناروا مبتنی بودند. بنابراین خلاف موازین شرع و مغایر بند ۱۵ اصل ۳ قانون اساسی شناخته شد. اصول ۶۲ و ۶۴ قانون اساسی، تعیین کیفیت انتخابات و محدوده حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی را به قانون واگذار کرده است و مجلس شورای اسلامی با تکیه بر معیارهای جمعیتی و جغرافیایی (واحدهای تقسیمات کشوری به‌خصوص شهرستان) محدوده حوزه‌های انتخابیه را تعیین کرده و تلاش‌ها برای حوزه‌بندی استانی انتخابات مجلس تاکنون با ایرادات شورای نگهبان مواجه شده‌اند. در واقع، دغدغه اصلی طراحان استانی شدن انتخابات، حوزه‌بندی استانی انتخابات مجلس بوده و هیچ‌گاه نظام انتخاباتی مجلس یعنی کیفیت تبدیل آرای مردم به کرسی‌های استانی مورد توجه جدی مجلس نبوده است.

موافقان اعتقاد دارند برگزاری انتخابات مجلس با حوزه‌بندی‌های استانی با اصل ۷۵ قانون اساسی و نیز اجرای نظام تلفیقی با «توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم» (بند ۱۵ اصل ۳ و شرع) مغایر نیست. نظام انتخاباتی پیشنهادی نیز به کاهش مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت منجر نمی‌شود، زیرا ورود نظام تناسبی به نظام انتخابات مجلس شورای اسلامی و فراهم نمودن زمینه نمایندگی اقلیت‌ها به تناسب جمعیت آنان موجب تشویق بیشتر آنان برای مشارکت در انتخابات می‌شود. از این‌رو الگوی پیشنهادی با بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی یعنی «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» مغایر نیست. به این ترتیب، اتکای اداره امور کشور به آرای عمومی و نمایندگی ملت توسط مجلس شورای اسلامی (اصول ۶ و ۶۲ قانون اساسی) نیز تقویت می‌شوند (تقی‌زاده و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۴۷). در نهایت مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۷ در ماده ۵۳ طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، یک ماده به‌عنوان ماده ۹۶ در خصوص برگزاری انتخابات تناسبی در شهر تهران اضافه کرد که این طرح با اشکال شورای نگهبان هم مواجه نشد و تأیید گردید، ولی هیأت عالی نظارت آن را مغایر سیاست‌های کلی اعلام کرد و مجلس در نهایت آن را حذف کرد (سامانه جامع شورای نگهبان: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰).

در ادامه با توجه به هدف این مقاله یعنی معرفی یک نظام انتخابات پارلمانی جدید به‌عنوان یک تئوری جهت حل مشکل کارایی و نمایندگی پارلمان و افزایش کیفیت انجام وظایف قانونگذاری و نظارت، برای درک بهتر فرمول‌های معرفی شده از تقسیم حوزه انتخاباتی کشور جمهوری اسلامی ایران استفاده شده و بر این اساس هفت روش انتخابات با حوزه‌های استانی و دو روش با حوزه‌های انتخاباتی کنونی معرفی می‌شود.

۵. نظام‌های پیشنهادی

در این مقاله به دنبال معرفی فرمول‌های انتخاباتی هستیم که در آن مؤلفه‌های تناسب جمعیتی، کارایی (حضور متخصصان) نمایندگی (نماینده‌گری سرزمینی) رعایت شود. بر این اساس گام اول در این فرایند، محاسبه نسبت جمعیت کشور مورد بررسی به تعداد کرسی‌های پارلمان است. به طور مثال در ایران بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد جمعیت کشور بالغ بر ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر بوده که با تقسیم آن بر ۲۹۰ کرسی مجلس عدد ۲۷۵۶۰۱ برای هر کرسی مجلس محاسبه می‌شود که این عدد در مقایسه با دیگر کشورها بسیار بزرگ است. اولین راهکار برای حل این موضوع استفاده از فرمول ریشه سوم جمعیت است که تاگپرا معرفی کرده بود. استفاده از روش‌های ریاضی در سیستم‌های انتخاباتی شیوه‌ای رایج است که متأسفانه تاکنون در ایران مورد توجه قرار نگرفته است و این مقاله کوششی برای این کار است. به طور مثال روش D'Hondt که روش جفرسون یا روش بزرگ‌ترین مقسوم‌کننده‌ها نیز نامیده می‌شود، روشی برای تخصیص کرسی‌ها در پارلمان‌ها در میان ایالت‌های فدرال، یا در سیستم‌های نمایندگی تناسبی فهرست حزبی است. این روش اولین بار توسط توماس جفرسون مطرح شد (Medzihorsky, 2019: 3). دو علت اصلی برای استفاده از ریاضیات در تعریف نظام‌های انتخاباتی وجود دارد:

(الف) با افزایش مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نظام‌های انتخاباتی مانند احزاب، گروه‌های حداقل (زنان و قومیت‌ها)، معیارهای اقتصادی، جمعیتی و وسعت حوزه انتخاباتی، رعایت این موارد در یک نظام انتخاباتی سبب پیچیدگی آن شده و نیاز است که برای درک بهتر از طریق روش‌های ریاضی خلاصه‌سازی یا دقیق‌سازی شوند؛

(ب) به دلیل پیچیدگی‌های ایجادشده برای شمارش آرا در این روش‌ها نیاز به طراحی نرم‌افزارهای آماری جهت شمارش آراست که گام اولیه برای این موضوع کدسازی محتوا یا فرموله کردن محتواست. بر این اساس در این پژوهش برای فرموله کردن سیستم‌های انتخاباتی ابتدا ریشه سوم جمعیت کشور را محاسبه می‌کنیم.

$$S = P^{1/3}$$

P به توان یک سوم است.

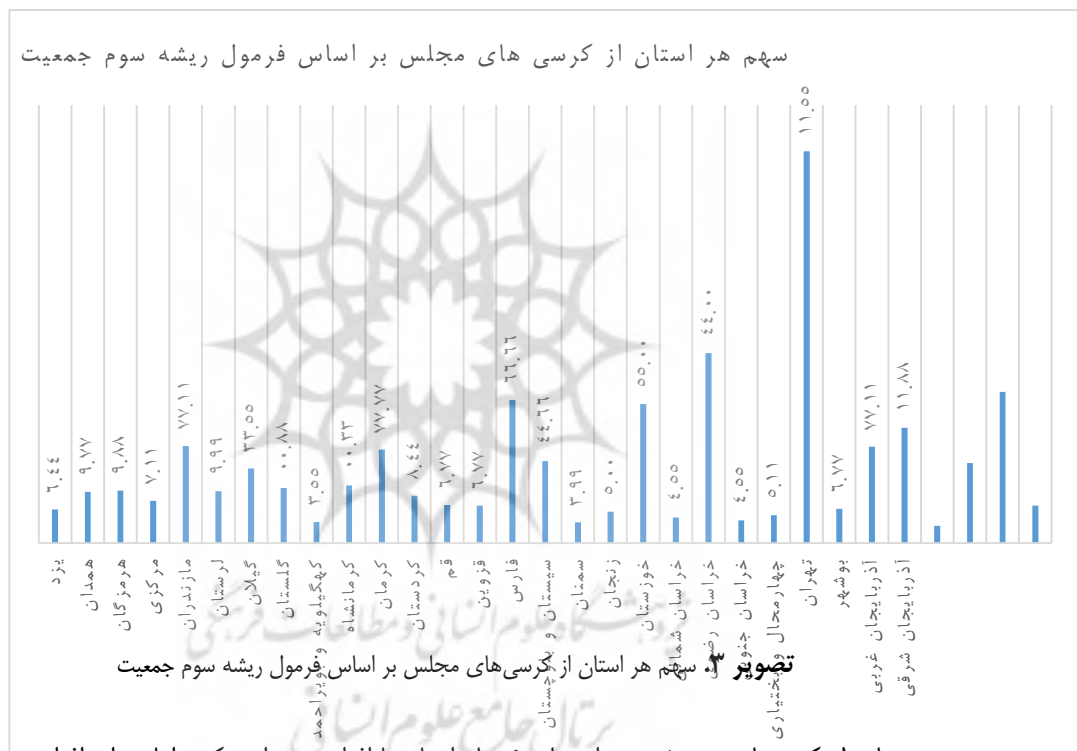
در اینجا S اندازه پارلمان قانونگذاری و P اندازه جمعیت است (Taagepera and Shugart, 1989: 173). ریشه سوم ۷۹۹۲۶۲۷۰ می‌شود ۴۳۱ یعنی باید ۴۳۱ کرسی با این روش در مجلس شورای اسلامی وجود داشته باشد.

حال چگونه این تعداد کرسی بین استان‌ها تقسیم شود؟

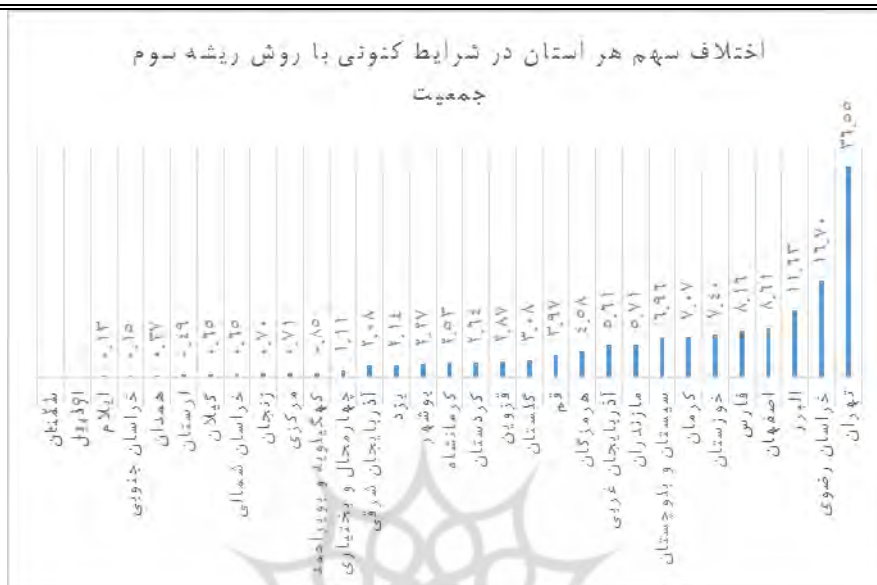
با یک نسبت ساده بین جمعیت هر استان به کل کشور و تعداد ۴۳۱ کرسی سهمیه هر استان مشخص می‌شود که در تصویر ۳ به خوبی مشخص شده است.

$$c = (P^{1/3} * w) / p$$

در اینجا c تعداد نماینده هر حوزه انتخاباتی در پارلمان قانونگذاری و P اندازه جمعیت کشور و w تعداد جمعیت حوزه انتخاباتی است.

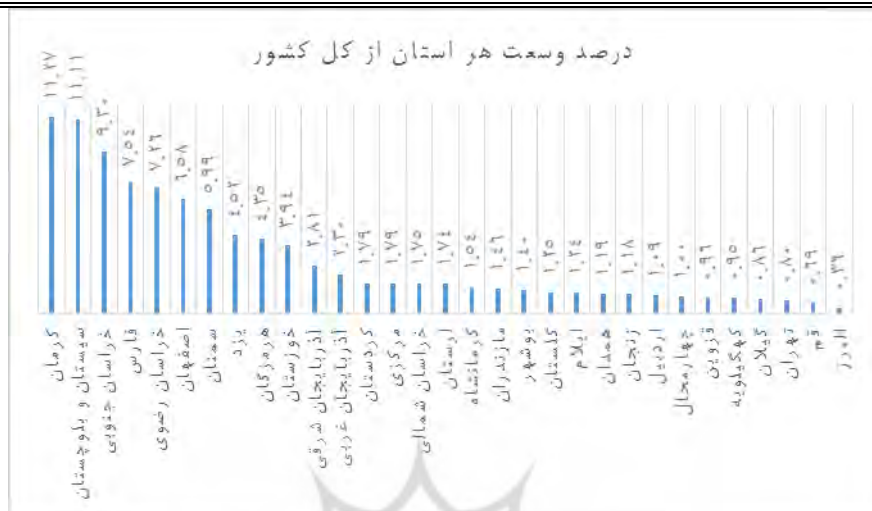


همان‌طور که مشاهده می‌شود تعداد نماینده تمام استان‌ها افزایش پیدا می‌کند، اما میزان افزایش برای استان‌هایی با جمعیت بیشتر مانند تهران، خراسان رضوی، اصفهان و شیراز بسیار بیشتر خواهد بود که این موضوع را با مقایسه تعداد کرسی‌های کنونی این استان‌ها و تعداد کرسی‌های روش ریشه سوم جمعیت که در تصویر ۴ شاهدیم، می‌توانیم به دست آوریم.

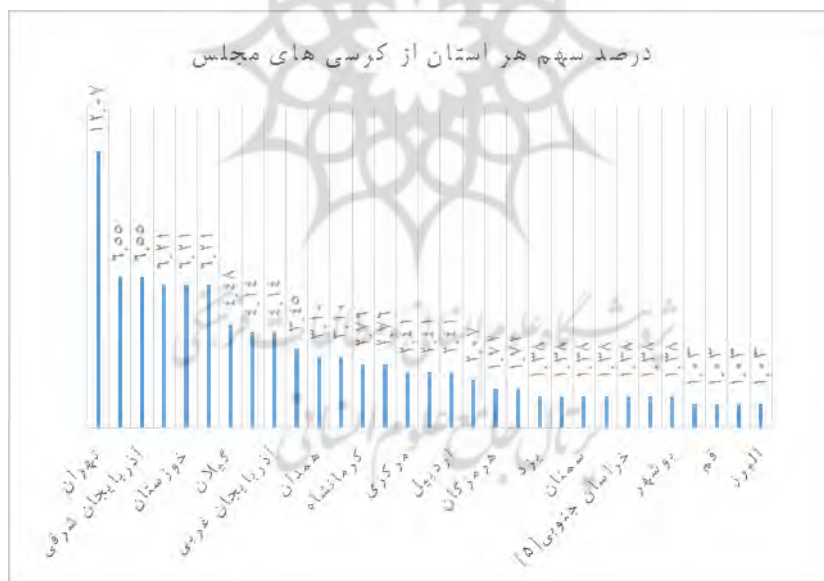


تصویر ۴. اختلاف سهم هر استان از کرسی‌های مجلس در شرایط کنونی با روش ریشه سوم جمعیت

همان‌طور که در تصویر ۴ مشخص است استان‌های سمنان و اردبیل نماینده مازاد دارند و استان‌های ایلام، خراسان جنوبی، همدان، لرستان، گیلان، خراسان شمالی، زنجان، مرکزی و کهگیلویه و بویراحمد کمتر از یک کرسی کامل افزایش می‌یابد و فقط استان‌های تهران، خراسان رضوی و البرز دورقمی هستند. وابستگی نظام انتخابات به جمعیت در کشورهای مانند ایران که دارای توزیع نامناسب جمعیتی هستند، مهم‌ترین ضعف روش ریشه سوم جمعیت است، چراکه در این روش وسعت حوزه انتخاباتی، تولید ناخالص ملی و نیازهای استانی مدنظر گرفته نمی‌شود، به‌طوری که



تصویر ۵. درصد وسعت هر استان از کل کشور



تصویر ۶. درصد سهم هر استان از کرسی های مجلس

با مقایسه تصاویر ۵ و ۶ مشخص می‌شود که استان تهران با اینکه فقط ۰/۸ درصد وسعت کل کشور را دارد، اما ۱۲ درصد کرسی‌های مجلس را در اختیار دارد، اما استان خراسان جنوبی که ۹ درصد وسعت را

دارد، فقط ۱/۴ درصد کرسی‌های مجلس را و یا استان سیستان و بلوچستان که ۱۱ درصد وسعت کشور را دارد، فقط ۲/۴ درصد از کرسی‌های مجلس را در اختیار دارد.

موضوع دیگری که باید مدنظر قرار بگیرد نیازهای متفاوت مخاطبان اصلی پارلمان یعنی مردم هریک از حوزه‌هاست که هر کدام از آنها ابتدا تابعیت ایرانی دارند و به‌جهت قانون و قانون اساسی کاملاً برابرند، اما آیا اگر این فرد در استان خراسان جنوبی زندگی کند نماینده‌ای را خواهد داشت که با اطلاع از وضعیت درمان، صنعت، اقتصاد، سیاست، حقوق، امنیت، کشاورزی، وضعیت اجتماعی و شوراها از حقوق این فرد در مجلس دفاع کند با اینکه این استان فقط چهار نماینده در مجلس دارد؟

سؤال مهم اینجا است آیا ساکنان استان خراسان جنوبی، ایلام و البرز نیازهای کمتری از استان تهران دارند یا آیا نمایندگان این استان‌ها تخصص‌های بیشتری دارند؟ نکته قابل تأمل اینجا است که آیا حضور تعداد نمایندگان بیشتر از یک استان در قوه مقننه سبب ایجاد قوانینی به نفع ساکنان این استان نخواهد شد و آیا این موضوع خود یکی از دلایل مهم توزیع نامناسب جمعیتی در کشور نشده است؟ در ادامه برای پاسخ به پرسش‌های گفته‌شده راه‌حل‌هایی معرفی خواهیم کرد.

۶. معرفی فرمول‌های انتخاباتی بر مبنای حوزه انتخاباتی استانی و بر اساس کمیسیون‌های تخصصی

۱. نظام انتخابات بر اساس ریشه سوم جمعیت و نسبت جمعیت هر استان

آزبورن در این روش تعداد نمایندگان هر استان با فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$W = (P^{1/3} * B) / p$$

در اینجا

W: تعداد کرسی‌های هر استان

P: جمعیت کشور

B: جمعیت یک استان

با توجه به اینکه در این روش اصل تناسب جمعیتی به‌خوبی رعایت می‌شود، اما دو مشکل هنوز پابرجاست:

۱. با این روش مشکل کارایی مجلس حل نخواهد شد؛

۲. تعداد نمایندگان از حالت کنونی بیشتر می‌شود که برخلاف قانون اساسی است.

برای حل مشکلات فوق می‌توان روش‌های دیگری معرفی کرد.

۲. انتخابات با حوزه استانی بر اساس کمیسیون‌های تخصصی

راهکار دوم برای حل مشکلات اشاره‌شده برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌صورت استانی و

حضور ۱۰ نفر از هر استان در ۱۰ کمیسیون تخصصی در مجلس (با حذف کمیسیون داخلی و شوراهای) است. بدین‌صورت هر ایرانی در هر نقطه از ایران یک نماینده متخصص در کمیسیون‌های مجلس خواهد داشت تا بر اساس اطلاعات خویش از آن حوزه در استان خودش از حقوق آن ایرانی در آن کمیسیون تخصصی دفاع کند. روش برگزاری انتخابات بدین‌گونه است که نامزدهای انتخاباتی براساس تخصص و تجارب کاری می‌تواند به‌عنوان نامزد انتخابات یک کمیسیون تخصصی از آن استان شرکت کند و رأی‌دهندگان ساکن در آن استان که یک حوزه انتخاباتی واحد است، به ۱۰ نفر برای ۱۰ کمیسیون تخصصی رأی می‌دهند. فرمول تعداد نماینده هر حوزه انتخاباتی در این روش برابر است با:

$$W=Q$$

W = تعداد نمایندگان هر حوزه

Q = تعداد کمیسیون‌های تخصصی پارلمان

در این روش مشکل کارایی و حضور متخصصان لازم در هر کمیسیون حل می‌شود اما این شیوه انتخابات دارای نقاط ضعف ذیل است:

۱. به دلیل استانی شدن انتخابات امکان حضور نماینده از ساکنان حوزه‌های انتخاباتی کوچک کنونی در استان‌ها بسیار سخت شده و سبب خواهد شد که بیشتر نماینده‌های یک استان از مراکز استان‌ها راهی پارلمان شوند؛
۲. به دلیل استانی شدن انتخابات ارتباط مردم در نقاط دورتر یک استان با نمایندگان به سختی انجام خواهد شد.

به‌دلیل کاهش نمایندگان استان‌های تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس، خوزستان اصل تناسب کرسی‌ها با جمعیت زیر سؤال خواهد رفت.

۳.۶. انتخابات استانی بر اساس کمیسیون‌های تخصصی بدون تغییر تعداد کرسی‌های هر استان

بر اساس این روش انتخابات به‌صورت استانی و کمیسیون محور برگزار خواهد شد و تعداد نمایندگان مجلس نیز همان ۲۹۰ نماینده خواهد بود. بدین‌صورت که ساکنان هر استان از میان نامزدهای معرفی‌شده به روش زیر اعمال رأی می‌کنند:

رأی‌دهندگان برای کمیسیون‌های تخصصی بر اساس اولویت به نامزد ارجح در کمیسیون تخصصی مدنظر خود به تعداد سهمیه کنونی استان خود در مجلس شورای اسلامی رأی خواهند داد. در استان‌های که دارای تعداد نمایندگان آنها در سیستم کنونی بیش از تعداد کمیسیون تخصصی مجلس هستند، رأی‌دهندگان، مازاد بر تعداد کمیسیون را بر اساس اولویت‌های خویش رأی خواهند داد. فرمول تعداد

نماینده هر حوزه انتخاباتی در این روش می‌شود:

$$W=D \quad F \leq W \leq G$$

$$C = \{x | x \leq Q, (290 * w)/p \leq Q < (290 * w)/p\}$$

$$C = \{x | x \in N, Q \leq w < E\}$$

W = تعداد نمایندگان هر حوزه در روش جدید

D : تعداد نمایندگان هر حوزه در روش کنونی

F = تعداد کنونی نمایندگان در استان‌های کوچک

G = تعداد کمیسیون‌های تخصصی پارلمان

این روش دارای مزایای زیر خواهد بود:

۱. تعداد نمایندگان پارلمان تغییر نخواهد کرد؛

۲. تناسب جمعیت و تعداد نماینده هر حوزه کنونی حفظ خواهد شد؛

۳. مردم به‌صورت هدایت‌شده اولویت‌های استان خود را معرفی خواهند کرد.

اما دارای معایب زیر نیز است:

۱. به‌دلیل استانی شدن انتخابات امکان حضور نماینده از ساکنان حوزه‌های انتخاباتی کوچک کنونی در استان‌ها

بسیار سخت شده و سبب خواهد شد که بیشتر نماینده‌های یک استان از مراکز استان‌ها راهی پارلمان شوند؛

۲. به‌دلیل استانی شدن انتخابات ارتباط مردم در نقاط دورتر یک استان با نمایندگان به‌سختی انجام خواهد شد؛

۳. هر ایرانی از هر حوزه انتخاباتی در تمام کمیسیون‌های تخصصی دارای نماینده نخواهد بود؛

۴. در برخی کمیسیون‌ها مانند روش انتخابات کنونی دچار کمبود متخصص خواهیم شد.

۴.۶. انتخابات کمیسینی بر پایه حداقل تعداد کمیسیون‌های مجلس، برای استان‌های کوچک و

حداکثر ظرفیت کنونی برای استان‌های بزرگ

در این روش رأی‌دهندگان در استان‌های که تعداد نمایندگان آنها در روش کنونی کمتر از تعداد کمیسیون‌های تخصصی است، باید به ۱۰ نفر برای هر کمیسیون رأی دهند، ولی رأی‌دهندگان در استان‌های بزرگ بر اساس اولویت تعداد نمایندگان کنونی استان را بر اساس کمیسیون‌های اولویت‌دار خود انتخاب می‌کنند.

$$H \leq W \leq D$$

$$W \geq \max\{H, D\}$$

H : تعداد کمیسیون‌های تخصصی مجلس = ۱۰

W = تعداد نمایندگان هر حوزه در روش جدید

D : تعداد نمایندگان هر حوزه در روش کنونی

۵.۶. انتخابات استانی بر اساس کمیسیون‌های تخصصی و با استفاده از ریشه سوم جمعیت به عنوان مبنای تعداد کرسی‌های مجلس

در این روش نیز هر نامزد بر اساس رشته تحصیلی یا تجربه، نامزد کرسی تخصصی آن استان در کمیسیون خاص خود شده و رأی‌دهندگان در تمام استان‌ها به ده نفر برای هر کمیسیون رأی خواهند داد که تعداد این نمایندگان در سراسر کشور ۳۱۰ نفر خواهد شد. سپس همان‌طور که اشاره شد، بر اساس فرمول ریشه سوم جمعیت در حال حاضر تعداد کرسی‌های مجلس شورای اسلامی باید ۴۳۱ نفر باشد که با کسر تعداد ۳۱۰ نفر از ۴۳۱ تعداد باقیمانده کرسی‌های مجلس ۱۲۱ نفر خواهد بود که این تعداد کرسی بین حوزه‌های انتخاباتی استانی به نسبت جمعیت تقسیم خواهد شد و رأی‌دهندگان این استان‌ها نیز نامزدهای مازاد را بر اساس اولویت خود نسبت به کمیسیون‌های تخصصی می‌توانند تعداد بیش از یک نامزد را در آن کمیسیون معرفی کنند.

$$W = H + \frac{(p^{\frac{1}{3}} - (H * T)) * B}{P}$$

H: تعداد کمیسیون‌های تخصصی مجلس = ۱۰

W = تعداد نمایندگان هر حوزه در روش جدید

P: جمعیت کشور

T: تعداد استان‌ها

B: جمعیت هر استان

همان‌طور که مشاهده می‌شود این روش توانسته است اصل تناسب جمعیت و تعداد کرسی هر حوزه را به‌خوبی به نمایش بگذارد و هر ایرانی نیز در تمام استان‌های کشور حداقل یک نماینده در کمیسیون‌های تخصصی خواهد داشت، اما هنوز معایب زیر وجود دارد:

۱. به دلیل استانی شدن انتخابات امکان حضور نماینده از ساکنان حوزه‌های انتخاباتی کوچک کنونی در استان‌ها بسیار سخت شده و سبب خواهد شد که بیشتر نماینده‌های یک استان از مراکز استان‌ها راهی پارلمان شوند؛
۲. به دلیل استانی شدن انتخابات ارتباط مردم در نقاط دورتر یک استان با نمایندگان به سختی انجام خواهد شد.

۷. انتخابات بر مبنای حوزه انتخاباتی استانی و بر اساس کمیسیون‌های نظارت و قانونگذاری

۱.۷. انتخابات بر اساس نظارت و قانونگذاری

در این روش انتخاباتی، یک کمیسیون به نام کمیسیون نظارت اضافه شده و یک کمیسیون تخصصی کسر خواهد شد و بدین ترتیب رأی‌دهندگان در هر حوزه انتخاباتی کنونی به یک نامزد به‌عنوان نامزد

نظارت بر دستگاه‌های همان حوزه انتخاباتی رأی خواهند داد و به ۹ نفر به‌عنوان نامزدهای نمایندگی استان در کمیسیون‌های تخصصی رأی می‌دهند. در این روش تا حدی موضوع در دسترس بودن نماینده برای ساکنان حوزه‌های کنونی که در روش‌های قبل نقطه ضعف مشترک بود تعدیل می‌شود، اما تناسب جمعیت حوزه‌های انتخاباتی با کرسی‌های مجلس از بین خواهد رفت.

$$W=H \mid H = \{F, \{C\}\}$$

H: تعداد کمیسیون‌های تخصصی مجلس=۱۰

W=تعداد نمایندگان هر حوزه در روش جدید

C: کمیسیون نظارت=۱

F: کمیسیون‌های قانونگذاری=۹

۲.۷. انتخابات بر مبنای حوزه‌های انتخاباتی استانی و بر اساس کمیسیون‌های نظارت و قانونگذاری با رعایت اصل ریشل سوم جمعیت

این روش تلفیقی از روش انتخاب بر اساس نظارت و قانونگذاری و انتخابات استانی بر اساس کمیسیون‌های تخصصی بر مبنای ریشه سوم جمعیت است. در این روش نیز تمام مراحل روش قبل اعمال شده و ۳۱۰ نفر انتخاب می‌شود. ۱۲۱ نفر باقیمانده تا ۴۳۱ نفر بر اساس نسبت جمعیتی در اختیار حوزه‌های انتخاباتی که در حال حاضر بیش از ۱۰ نفر نماینده قرار می‌گیرد، بدین صورت که رأی‌دهندگان بر اساس نسبت جمعیتی، تعداد بیشتری نامزد را برای کمیسیون نظارت معرفی خواهند کرد. در این روش هم مشکل تناسب جمعیتی کمی تعدیل می‌شود، هم هریک از رأی‌دهندگان در استان‌های مختلف کشور حداقل یک نفر نماینده در کمیسیون‌های تخصصی مجلس خواهند داشت و هم ساکنان هریک از حوزه‌های انتخاباتی کنونی حداقل به یک نماینده برای حل مشکلات خود دسترسی مستقیم خواهند داشت.

$$H = \{F, \{C\}\}$$

$$F = \frac{(p^{1/3} - (H * T)) * B}{P}$$

$$W = H + F + C$$

W=تعداد نمایندگان هر حوزه در روش جدید

H: تعداد کمیسیون‌های تخصصی مجلس=۱۰

F=تعداد کمیسیون‌های قانونگذاری

C: تعداد کمیسیون‌های نظارت

P: جمعیت کشور

T: تعداد استان‌ها

B: جمعیت هر استان

۸. فرمول انتخابات بر پایه کمیسیون‌های تخصصی و حوزه‌های کنونی انتخابات مجلس

شورای اسلامی

همان‌طور که بیان شد تاکنون شورای نگهبان تمام طرح‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی بر مبنای استانی شدن را رد کرده است بنابراین در ادامه به معرفی روش‌هایی خواهیم پرداخت که انتخابات بر مبنای نظام انتخابات کمیسیون‌محور است، بدون اینکه حوزه‌های کنونی انتخابات تغییری کند.

در این روش، نامزدهای انتخابات برای هر حوزه انتخابات کنونی و برای هر کمیسیون تخصصی بر اساس مدارک تحصیلی و تجربه شرکت می‌کنند. سپس رأی‌دهندگان هر استان در برگ‌های رأی ابتدا برای حوزه انتخاباتی کنونی خود به تعداد نماینده حوزه برای کمیسیون تخصصی که اولویت‌دار است، انتخاب می‌کنند، بعد برای هریک از حوزه‌های انتخاباتی در استان خود نماینده مربوط به کمیسیون اولویت‌دار را انتخاب می‌کنند.

D_i = تعداد نمایندگان هر حوزه

$i = 1, 2, 3, \dots, n$

H_j = تعداد کمیسیون‌ها

$j = 1, 2, 3, \dots, 10$

D_k, D_l

K = نماینده هر حوزه انتخاباتی

L = نماینده مربوط به کمیسیون تخصصی

$k \neq l$

$D_k, D_l \in H_j$

در این صورت هیچ نماینده‌ای وجود نخواهد داشت که از یک حوزه انتخاباتی کنونی در چند کمیسیون حضور پیدا کند. بدین ترتیب هم ظرفیت کنونی تغییر نخواهد کرد و هم در کمیسیون افراد متخصص از هر استان حاضر خواهند شد و هم موضوع نمایندگی و نماینده بودن هر حوزه انتخاباتی رعایت می‌شود و حوزه انتخاباتی کنونی تغییر نمی‌یابد.

در پایان باید گفت در تمام این روش‌ها درباره اقلیت‌های دینی که در کشور زندگی می‌کنند، روش کنونی پیشنهاد می‌شود، چراکه عدد به‌دست‌آمده برای این افراد بر اساس فرمول ریشه سوم تاگپرا و نسبت جمعیتی آنها از تعداد نمایندگان کنونی آنها کمتر خواهد شد.

۸. نتیجه

پژوهش حاضر در پی معرفی نظام انتخابات پارلمانی بر پایه مؤلفه‌هایی است که بر کارایی و نمایندگی پارلمان اثرگذارند. با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد که نظام‌های انتخاباتی فعلی برای انتخاب نمایندگان پارلمان همه اهداف یک پارلمان را برآورده نمی‌کند، چراکه به‌طور مثال در ایران نتیجه نظام انتخابات کنونی، مجلسی بسیار کوچک می‌شود که از نظر تعداد دارای ظرفیت‌های لازم برای انجام صحیح دو وظیفه قانونگذاری و نظارت نیست و نه تنها تعادل مناسبی از نظر تخصص‌های مورد نیاز در اختیار پارلمان نمی‌گذارد، بلکه میزان عدم تعادل آن به اندازه‌ای است که سبب تعارض منافع می‌شود. از این‌رو اصلاح چنین روش انتخاباتی برای حل مشکلات پارلمان و قوانین ناقص و ناکارآمد ضروری است. پژوهش کنونی برای درک بهتر تئوری معرفی‌شده برای اولین بار بر اساس شرایط قانون اساسی و محدودیت‌های جمعیتی و نیازهای حوزه انتخابیه مختلف کشور ایران از طریق علم ریاضی و آمار به معرفی فرمول‌های انتخاباتی پرداخته است و با پیشنهاد فرمول‌های انتخابات، زمینه ورود مؤلفه‌های کیفی را در سیستم‌های انتخابات پارلمان فراهم آورد. بر این اساس ابتدا به بررسی سیستم‌های مختلف انتخابات برای به‌دست آوردن پارلمان با اندازه، کارایی و نمایندگی مطلوب بر پایه حوزه‌های انتخاباتی استانی پرداخته و مزایا و معایب هریک را برشمردیم. هدف پژوهش حاضر معرفی نظام‌های انتخاباتی پارلمان از طریق پاسخگویی به دو مؤلفه مهم کارآمدی و نمایندگی پارلمان بود که در نهایت به پارلمانی با کارایی و نمایندگی بهتر بینجامد. از این‌رو برای معرفی بهتر نظام انتخابات پارلمانی معرفی‌شده از شرایط پارلمان ایران استفاده و با روش نظریه داده‌بنیاد به تجزیه و تحلیل ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی و مشخص ساختن نقاط ضعف سیستم کنونی انتخابات از طریق بررسی رشته‌های تحصیلی نمایندگان ادوار مجلس و مقایسه تطبیقی اندازه مجلس شورای اسلامی با دیگر کشورها پرداخته شد. اما هدف این مقاله اصلاح نظام انتخابات هیچ کشوری نبوده و فقط به دنبال معرفی راهکاری برای دستیابی به پارلمانی با مؤلفه‌های مطرح‌شده است.

یافته‌های پژوهش بیانگر این است که استانی شدن حوزه‌های انتخابیه به‌تنهایی در صورتی که به‌نحوی انجام نشود که در حل مشکلاتی چون نمایندگی بودن اعضا و افزایش کارآمدی مجلس اثرگذار نباشد، نمی‌تواند ایرادات شورای نگهبان را حل کند. در نهایت فرمول‌های جدید انتخابات پارلمان تبیین و برخی مزایا و معایب هریک مطرح و برای حل معایب سیستم قبلی روش جدیدی معرفی شد که از این میان می‌توانیم سیستم انتخابات بر اساس کمیسیون‌های تخصصی (نظارتی و قانونگذاری) بر پایه اصل ریشه سوم جمعیت را کارآمدترین با مناسب‌ترین اندازه معرفی کرد که فقط مشکل تغییر حوزه انتخاباتی سیستم کنونی انتخابات را دارد. از این‌رو روش انتخابات بر پایه کمیسیون‌های تخصصی و حوزه‌های

کنونی انتخابات مجلس شورای اسلامی معرفی گردید که ویژگی کارایی مطلوب و عدم مشکل تغییر حوزه‌های انتخاباتی کنونی را دارد، اما بزرگی لازم از نظر تعداد نماینده را در اختیار مجلس قرار نمی‌دهد و نحوه شمارش آرا نیز دارای پیچیدگی زیادی است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. اداره کل فرهنگی و تبلیغات مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶). معرفی نمایندگان ده دوره مجلس شورای اسلامی. تهران: مجلس شورای اسلامی.
۲. دارابی، غلامعباس (۱۳۸۸). درباره طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳. مرکز آمار کشور (۱۳۹۷). سالنامه آماری کشور.

ب) مقالات

۴. تقی‌زاده، جواد؛ ضرغامی، شبیر (۱۳۸۸). استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۴ (پیاپی ۱۶)، ۷۳-۴۶.
۵. دانایی فرد، حسن؛ آذر، عادل؛ شیرزادی، مهدی (۱۳۹۳). چارچوبی برای شناسایی شایستگی‌های خطامشی‌گذاران ملی نمایندگان مجلس قانونگذاری. فصلنامه مجلس و راهبر، ۱۹ (۷۰)، ص ۸، ۵-۳۵.
۶. رحمانی‌زاده دهکردی، حمیدرضا؛ سعید، پدram (۱۳۸۴). استانی شدن حوزه‌های انتخابیه. مجلس و پژوهش، ۹ (۳۶)، ۱۴۵-۱۶۸.
۷. سینایی، وحید؛ زمانی، سمیه (۱۳۹۰). نقش مجالس قانونگذاری در فرایند سیاستگذاری به سوی یک الگوی نظری. نشریه راهبرد، ۲۰ (۵۸) (بخش ویژه بررسی‌های حقوقی)، ۹۳-۶۵.
۸. عباسی، بیژن؛ حسینی الموسوی، سیدمجتبی (۱۴۰۱). واکاوی دلایل مخالفت شورای نگهبان با استانی شدن انتخابات. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۲ (۲)، ۵۷۴-۵۹۴.
۹. عبدالله‌زاده شهر بابکی، آزاده (۱۳۹۹). روش‌های ارتقای کیفیت قوانین. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۰ (۲)، ۷۵۷-۷۷۰.
۱۰. قلی‌پور، رحمت‌اله؛ دانایی فرد، حسن؛ امیری، علی‌نقی؛ عطاردی، محمدرضا (۱۳۹۴). مفهوم‌پردازی پدیده شکاف خطامشی در فرایند خطامشی‌گذاری فرهنگ. مجلس و راهبرد، ۲۲ (۸۱)، ۹۱-۱۲۵.
۱۱. گرجی‌ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در بوتۀ نقد. تهران: مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، ۴۰ (۴)، ۳۳۳-۳۵۲.

۱۲. لطیفیان، احمد؛ دعایی، حبیب‌اله (۱۳۹۲). ترسیم مدل مفهومی بهره‌وری کارکنان با استفاده از رهیافت مدل‌سازی ساختاری تفسیری. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت عمومی*، (۲۰)، ۳۳-۵.
۱۳. کمالی، یحیی؛ شهابی‌راد، حمیده (۱۳۹۷). پیامدهای استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی ایران (با استفاده از نظریه داده‌بنیاد). *فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۲(۴۵)، ۳۹-۶۴.
۱۴. محقق داماد، سیدمصطفی؛ درویش‌زاده، محمد (۱۴۰۰). جای خالی قانون مدیریت تعارض در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم. *فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی*، ۴(۱۰)، ۱۳۰-۱۵۲.
۱۵. مهرابیان، فردین؛ نصیری‌پور، امیر اشکان؛ فرمانبر، ربیع‌اله؛ کشاورز محمدیان، سکینه (۱۳۹۰). تعیین عوامل ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی از دیدگاه اعضای هیأت علمی و غیرهیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان. *نشریه پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، ۳(۲)، ۹۵-۱۰۶.
۱۶. میرزازاده کوهشاهی، نادر؛ میرزازاده کوهشاهی، مهدی (۱۳۹۰). امکان‌سنجی استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی. *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۴(۱۴)، ۱۵۱-۱۶۹.

(ج) پایان‌نامه‌ها

۱۷. امیرارجمند، امیرمنصور (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی با نظام‌های متداول انتخاباتی. *رساله کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران*.
۱۸. خسروی، حسن (۱۳۸۷). الگوی مطلوب نظام انتخابات مجلس شورای اسلامی در پرتو اصول و مبانی انتخابات دموکراتیک. *رساله دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*.

(د) قوانین

۱۹. آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹).
۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، کد خبر: ۸۴۸۱۸۴۸.
۲۱. طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲).
۲۲. قانون اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰).
۲۳. قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۸).

۳. انگلیسی

A) Articles

1. Barkan, J.D., Densham, P.J., & Rushton, G. (2006). Space matters: Designing better electoral systems for emerging democracies. *American Journal of Political Science*, 50(4), 926-939.
2. Besley, T. Coate, S. (1998). Sources of Inefficiency in a Representative Democracy: A Dynamic Analysis. *American Economic Review*, 88, 139-156.
3. Brooks, L, Phillips, J., & Sinitsyn, M. (2011). The cabals of a few or the confusion of a multitude: The institutional trade-off between representation and governance. *American Economic Journal Economic Policy*, 3(1) 1-24.
4. Farrell, D.M. (2011). Electoral Systems: A Comparative Introduction (Second edi.). *Houndmills: Palgrave MacMillan*, 172 .
5. Frederick, B. (2010). Congressional Representation & Constituents. The Case for increasing the U.S. House of Representatives. New York: Routledg, 1-116-119.
6. Hoffman, L. R. (1979). Applying Experimental Research on Group Problem Solving to Organizations. *The Journal of Applied Behavioral Science*, 375-391.
7. Lorge, I., Fox, D., Joel, D., And Brenner, M. (1958). A survey of studies contrasting the quality of group performance and individual performance, 1920-1957. *Psychological Bulletin*, 55(6), 337-372.
8. Lijphart, A. (1994). Democracies: Forms, Performance, and Constitutional Engineering. *European Journal of Political Research*, (25), 1-17.
9. Lijphart, A. (1971). Comparative politics and the comparative method. *American Political Science Review*. 65(3),682-693.
10. Lundell, K.(2012). Disproportionality and Party System Fragmentation: Does Assembly Size Matter?. *Open Journal of Political Science*, 2(1), 9-16.
11. Medzihorsky, j.(2019). Rethinking the D'Hondt method. *Political Research Exchange*. DOI: 10.1080/2474736X.2019.1625712, 1-15.
12. Pitkin, H.F.(1967). The concept of representation. *Berkeley*. University of California Pres: 60.
13. Renwick, A. (2011). Electoral Reform in Europe since 1945. *West European Politics*. 34(3), 456-477 .
14. Rule, W.(1987). Electoral systems,contextual factors and women's opportunity for election to parliament in twenty-three democracies. *Western Political Quarterly*. 40(3),477-498.
15. Taagepera, R. (1972). The size of national assemblies. *social science research*. 1(4), 385-401
16. Taagepera, R. (2009). Predicting party sizes-The 2007 Johan Skytte Prize Lecture. *Scandinavian Political Studies*, 32(2)
17. Taagepera, R., & Shugart, M.S. (1989). Seats and votes: The effects and determinants of electoral systems. *New Haven: Yale Universit*: 173.
18. Weingast, B.R, Shepsle, K.A., & Johnsen, C. (1981). The political-economy of benefits and costs A neoclassical approach to distributive politics. *Journal of Political Economy*. 89(4), 642-664.
19. Yetton, P., Bottger, P. (1983). The Relationships among Group Size, Member Ability, Social Decision Schemes, and Performance. *Organizational Behavior and Human Performance*. (32), 145-159.

B) website

20. DPI^۹ Inter-Parliamentary Union, <https://www.ipu.org/> (2022)